



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

hnjnhnjhnOnline
ISSN: 2821-0514

Volume: 16 Issue: 38

Spring 2025

Article Type: Research Article

Pages: 79-107

The Basics of Judicial Modification of Contract in Iranian and Turkish Law

Ozra Rezazad Bari¹| Yousef Molaei²| Hossein Javadi³

1. Ph.D Candidate in private law, Islamic Azad University, Urmia Branch, Iran

rezazd2013@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Urmia Branch, Iran
(Corresponding Author)

yousef.molaei@iau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Urmia Branch, Iran

hossein.javadi@iau.ac.ir

Abstract

The principle of the necessity of contracts guarantees the security and stability of contractual relationships and prevents violations in implementing obligations. Still, one of the excuses that is considered an exception to this principle is the change in the contract's circumstances, which disturbs the economic balance of the contract, makes its implementation difficult, expensive and unconventional, but does not make it impossible; Especially in long-term contracts where there is a gap between the conclusion of the contract and its implementation. Although this theory is not specified in Iran's laws, but in Turkey's legal system, due to the economic crises experienced in recent years and the negative effects of these crises, especially on foreign currency debts, the possibility of adjusting the contract is accepted. In this research, the possibility of adjusting the contract, its conditions, and its effects in the laws of Iran and Turkey has been studied analytically and descriptively. By examining the basics of the theory of change of circumstances, it seems that in some contracts, emphasizing the implicit condition and in most of them citing the rule of negation of hardship and hardship can be a suitable justification in the assumption of the lack of explicit agreement between the parties or the absence of legal reason. Based on these principles, the change in circumstances can have effects such as suspending the implementation until the final task is clarified, adjusting the amount of obligations and, accordingly, the possibility of requesting renegotiation. In Turkish law, unlike Iranian law, the theory of contract change is accepted in the Law of Obligations, and accordingly, the possibility of adjusting the contract faces fewer difficulties.

Keywords: Principle of Necessity, Change of Situations, Abduction of Accident, Implicit Condition, Hardship clause.

Received: 2024/11/11

Received in revised form: 2025/02/18

Accepted: 2025/02/25

Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.60340.3361

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





مبانی تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران و ترکیه

عذرا رضازاد باری^۱ | یوسف مولایی^۲ | حسین جوادی^۳

rezazd2013@gmail.com

yousef.molaei@iau.ac.ir

hossein.javadi@iau.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران

چکیده

اصل لزوم قراردادها امنیت و استواری روابط قراردادی را تضمین کرده، مانع از تخلف در اجرای تعهدات می‌شود؛ لیکن یکی از معاذیر استثنا بر این اصل، تغییر اوضاع و احوال قرارداد است که تعادل اقتصادی قرارداد را برهم زده، اجرای آن را دشوار، پرهزینه و غیرمعارف می‌کند، اما غیر ممکن نخواهد بود؛ به‌خصوص در قراردادهای طولانی‌مدت که بین انعقاد قرارداد و اجرای آن فاصله می‌افتد. گرچه این نظریه در قوانین ایران تصریح نشده، اما در نظام حقوقی ترکیه با توجه به بحران‌های اقتصادی تجربه‌شده در سال‌های اخیر و آثار منفی این بحران‌ها به‌ویژه بر بدهی‌های ارزی، امکان تعدیل قرارداد پذیرفته شده است. در این تحقیق به روش تحلیلی-توصیفی امکان تعدیل قرارداد، شرایط و آثار آن در حقوق ایران و ترکیه مورد مطالعه قرار گرفته است. با بررسی مبانی نظریه تغییر اوضاع و احوال، به‌نظر می‌رسد در برخی از قراردادها، تأکید بر شرط ضمنی و در اغلب آنها استناد به قاعده نفی عسر و حرج، می‌تواند توجیه مناسبی در فرض عدم توافق صریح طرفین یا نبود دلیل قانونی باشد که براساس این مبانی، تغییر اوضاع و احوال می‌تواند آثاری از جمله تعلیق اجرا تا روشن شدن تکلیف نهایی، تعدیل میزان تعهدات و به تبع آن امکان درخواست مذاکره مجدد را داشته باشد. در حقوق ترکیه برخلاف حقوق ایران، نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد در قانون تعهدات پذیرفته شده و به تبع آن امکان تعدیل قرارداد نیز با دشواری‌های کمتری مواجه است.

واژگان کلیدی: اصل لزوم، تغییر اوضاع و احوال، شرط ضمنی، عسر و حرج، غبن حادث.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

DOI: 10.22034/law.2025.60340.3361



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر قراردادها، اصل لزوم عقد است که به موجب آن بعد از انعقاد عقد، طرفین ملزم به اجرای مفاد و تعهدات پیش‌بینی شده در قرارداد هستند و تا زمانی که قرارداد به دلیل قانونی منحل نشده باشد، امکان تخلف و سرپیچی متعاملین از اجرای مفاد قرارداد وجود ندارد. همچنین طرفین به صورت یک‌جانبه حق تغییر مفاد و شروط مندرج در قرارداد را ندارند که از این امر تحت عنوان اصل تغییرناپذیری قراردادها یاد می‌شود. مطابق این اصل، متعهد باید تعهدات مندرج در قرارداد را دقیقاً همان‌طور که در قرارداد پیش‌بینی شده است اجرا نماید و حق تغییر یا درخواست اصلاح مفاد قراردادی را ندارد. این دو اصل در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اصولی مقدس تلقی می‌شد و امکان تعدیل آن دو وجود نداشت. اما با گذشت زمان معلوم شد ممکن است در طول اجرای قرارداد، حوادث پیش‌بینی نشده‌ای خارج از اراده متعاقدين رخ دهد که تعادل قراردادی را برهم زده، امکان اجرای تعهدات قراردادی را با دشواری شدیدی مواجه نماید؛ لذا نظام‌های حقوقی به تدریج اصل لزوم و اصل تغییرناپذیری قرارداد را تعدیل کرده، تحت شرایط خاص، امکان تعدیل تعهدات قراردادی را فراهم نمودند.

اعتقاد به مطلق بودن اصل لزوم و اصل تغییرناپذیری قرارداد در کشورهایی که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و.... غیرقابل پیش‌بینی هستند، مشکلات شدیدی ایجاد می‌نماید. ایران و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که در دهه‌های اخیر با بحران‌های اقتصادی شدیدی مواجه شده، مباحثی همچون دشواری شدید اجرای قرارداد و عسر و حرج و ناممکن شدن اجرای قرارداد در این کشورها بیشتر مطرح می‌شود و موضوع تعدیل قراردادها بیشتر از نظام‌های حقوقی که ثبات اقتصادی دارند مد نظر قرار می‌گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر، بحث تعدیل قضایی قرارداد در نظام حقوق ایران و ترکیه به صورت تطبیقی مطالعه شده است تا نحوه مواجهه دو نظام حقوقی منتخب با امکان تعدیل قرارداد در صورت دشواری شدن اجرای قرارداد به دلیل حوادث غیرقابل پیش‌بینی، مورد بررسی قرار گیرد. اولین پرسشی که نگارندگان این تحقیق به دنبال بررسی آن هستند، امکان تعدیل قضایی قرارداد است. به بیان دیگر، آیا در حقوق ایران و ترکیه در صورت وقوع حوادث پیش‌بینی نشده، متعهد می‌تواند از دادگاه تعدیل تعهدات قراردادی براساس شرایط جدید را مطالبه کند؟ در مقام پاسخ به این سؤال باید گفت که در ماده ۱۳۸

قانون تعهدات ترکیه، برخلاف حقوق ایران، امکان تعدیل قرارداد پیش‌بینی شده است؛ هرچند که در خصوص قلمرو شمول حکم این ماده و چگونگی اعمال آن در دکترین حقوقی ترکیه، اختلاف نظر وجود دارد و رویه واحدی بین دادگاه‌ها حاکم نیست. در حقوق ایران به دلیل فقدان نص صریح قانونی، تردید در خصوص تعدیل قرارداد شدید بوده، امکان تعدیل با موانع بیشتری مواجه است. هدف دیگر این پژوهش، پاسخ به مسئله شرایط تعدیل قرارداد در دو نظام حقوقی یادشده است.

در این مقاله، موضوع تعدیل قضایی قراردادها در حقوق ایران و ترکیه به صورت تطبیقی بررسی شده است. بر این اساس، ابتدا اصل تغییرناپذیری قراردادها در این دو نظام حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس امکان تعدیل قراردادها و مبانی آن مطالعه شده، درنهایت شرایط و نحوه تعدیل قرارداد تحلیل می‌شود.

۱. مفهوم تعدیل قرارداد

تعدیل در لغت به معنی متعادل‌سازی، برابر ساختن و از روی عدالت تقسیم نمودن است.^۱ در مفهوم حقوقی، تعدیل قرارداد به تجدیدنظر و اصلاح یا تکمیل قراردادی که به واسطه دلایل مختلف، توازن و تعادل قراردادی بین طرفین برهم خورده است، گفته می‌شود.^۲ بعد از انعقاد قرارداد، در نتیجه وقوع حوادث پیش‌بینی نشده ممکن است اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد تغییر یافته، اجرای قرارداد برای یکی از طرفین به شدت مشکل شود. در چنین وضعیتی، نظریه تعدیل قرارداد به دنبال اعطای اختیار به دادرس جهت تطبیق دادن قرارداد با وضعیت موجود بوده تا با اصلاح تعهدات قراردادی امکان اجرای عقد برای طرفی که با سختی شدید مواجه شده است، فراهم گردد.

در حقوق ترکیه برای تعدیل قراردادها از اصطلاح Sozlesme Uyarlanma استفاده می‌شود که از نظر لغوی به معنی انطباق و سازگاری است. در مفهوم حقوقی، به معنی سازگار نمودن قرارداد با تغییر اوضاع و احوال شدیدی است که اجرای قرارداد را برای متعهد با مشکل حاد

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۳)، ص ۵۷-۵۹؛ حسن عمید، فرهنگ فارسی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۶۳)، ص ۴۰۳.

۲. صحبت‌الله سلطانیان، تعدیل قضایی قرارداد، (تهران: انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۲۲.

مواجه نموده است؛ به طوری که با تعدیل قرارداد، دشواری شدید اجرای قرارداد^۳ برای متعهد از بین می‌رود.^۴

۲. اصل لزوم قراردادها

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر قراردادها که در تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، اصل لزوم قراردادها است. به موجب این اصل، از یک سو، مفاد و تعهدات ناشی از قرارداد نسبت به طرفین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع بوده، نیروی الزام‌آور عقد را مکلف به اجرای تعهدات قراردادی می‌کند. از سوی دیگر، این اصل دادگاه را مکلف می‌سازد تا از مفاد عقد فراتر نرود و قانون قراردادی را آن‌چنان که هست، اجرا کند و حق تغییر در مفاد و تعهدات قراردادی را ندارد؛ حتی برای قانون‌گذار نیز این وظیفه را به وجود می‌آورد که به حریم قرارداد تجاوز نکند.

اصل لزوم قراردادها (وفای به عهد) که بر حقوق تعهدات ترکیه نیز حاکم است، امنیت معاملات حقوقی را برای طرفین فراهم و تضمین می‌کند و از آزادی قرارداد ناشی می‌شود. در راستای اصل لزوم قرارداد، طرفین متعهد می‌شوند که دقیقاً پس از انعقاد قرارداد به تعهدات خود عمل کنند. به عبارت دیگر، تعهد طرفین به انجام تعهدات ناشی از یک قرارداد معتبر، حتی اگر شرایط متعاقباً تغییر کند، نتیجه طبیعی اصل لزوم قرارداد است.^۵ حقوق‌دانان ترکیه اصل تغییرناپذیری قراردادها را از نتایج اصل لزوم قراردادها تلقی نموده‌اند؛ با این حال، بر این باورند که نباید فریب ظاهر زیبای این اصل را خورد، زیرا اصل تغییرناپذیری قرارداد در ظاهر با اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم هماهنگی داشته، به مفهوم احترام گذاشتن به خواست و اراده متعاقدين است، ولی عدم انعطاف‌پذیری این اصل ممکن است در صورت دشوار شدن اجرای قرارداد برای یکی از طرفین، غیرمنصفانه و ناعادلانه باشد؛ بنابراین باید روش‌هایی وجود داشته باشد که در مواردی این امر را تلطیف و تخفیف دهد.

۳. مبانی تعدیل قرارداد

با توجه به اینکه تعدیل قضایی قراردادی با اصل لزوم قراردادی و اصل حاکمیت اراده در

3. AŞIRI İFA GÜÇLÜĞÜ

4. Fikret Eren, "Borçlar Hukuku Genel Hükümler, Yetkin Basımevi", 27. Baskı, Ankara (2022), p. 553.

5. Işlay Yörük, Türk Hukukunda Sözleşmelerin Uyarlanması, p. 10.

تعارض است و به دادگاه اجازه می‌دهد با نادیده گرفتن اراده طرفین و قراردادی که قانون طرفین محسوب می‌شود در مفاد قرارداد تغییراتی ایجاد نماید، بنابراین یکی از مهم‌ترین بحث‌های مربوط به تعدیل قضایی قراردادی، مبنای پذیرش آن است. این موضوع که دادگاه بر اساس کدام مبنا حق نادیده گرفتن اراده طرفین و تغییر در مفاد قرارداد را دارد، همیشه مورد مناقشه حقوق‌دانان بوده است؛ لذا مبنای تعدیل قضایی قرارداد ابتدا در حقوق ایران و سپس در حقوق ترکیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱.۳. مبنای تعدیل قرارداد در حقوق ایران

با توجه به سکوت قانون‌گذار و فقدان قاعده کلی در خصوص تعدیل قضایی قرارداد، حقوق‌دانان ایرانی به دنبال یافتن مبنایی برای تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران بوده‌اند. در این بحث به مهم‌ترین مبنای مطرح در حقوق ایران پرداخت شده و در نهایت مبنای قانونی تعدیل قرارداد مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱.۳. نظریه شرط ضمنی

عمده‌ترین استدلالی که در توجیه نظریه تغییر اوضاع و احوال و پذیرش تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران صورت گرفته، نظریه شرط ضمنی است. اصطلاح شرط ضمنی برای اموری به کار می‌رود که الفاظ قرارداد به صورت التزامی دلالت بر آن می‌نماید؛ یعنی به حکم عقل یا قانون یا عرف با مفاد قرارداد یا طبیعت آن ملازمه دارد.^۶ برای مثال، در قرارداد، انجام مقدمات اجرای تعهد پیش‌بینی نمی‌شود، ولی می‌گویند طرفین به‌طور ضمنی متعهد به فراهم آوردن مقدمات آن شده‌اند. بنابراین آنچه الفاظ صریح قرارداد آن را پیش‌بینی نکرده، اما ارتباط و ملازمه‌ای بین مفاد قرارداد با آن نتیجه برقرار است، جزء شروط ضمنی قرارداد خواهد بود. حقوق‌دانان منشأ این ملازمه را سه عامل عقل، عرف و قانون می‌دانند؛ به این معنی که گاه وضعیت قرارداد به گونه‌ای است که بی وجود شرطی صریح، وجود حق یا تکلیفی عقلاً با مفاد قرارداد ملازمه دارد. برای مثال، اگر طی قولنامه‌ای خودرویی با این شرط که پس از چند روز

۶ ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴، ۱۳۸۳)، ص ۱۳۰؛ سید مصطفی محقق داماد، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۲۷۷.

استفاده آزمایشی مورد خرید و فروش قرار گیرد (اگرچه مبلغ معامله نیز رد و بدل شده باشد)، معامله این شرط ضمنی را به همراه دارد که در صورت معیوب بودن یا وجود مشکلی که باعث انصراف خریدار گردد، وی حق صرف نظر کردن از معامله را خواهد داشت.^۷

تعدیل یا فسخ عقد به بهانه تغییر بنیادین اوضاع و احوال، مبتنی بر شرط ضمنی یا بنائی (تبائی) دو طرف مبنی بر لزوم حفظ تعادل قراردادی تا پایان اجرای تعهد است. در عقود و معاملات معوض، هریک از دو طرف مالی را به دیگری می دهد یا عهده دار انجام تعهدی می شود تا در قبال آن، عوض متعادل بگیرد یا در برابر آنچه به عهده گرفته است معادلش را دریافت کند و در واقع، تراضی بر مبنای این اعتقاد انجام می شود. بی گمان، سکوت طرفین به معنای محترم شدن این بنا و پذیرفتن شرط متعادل ماندن دو عوض است. پس هرگاه حادثه ای ناگهانی و دور از انتظار پایه تبائی دو طرف را به شدت برهم زند، متضرر می تواند به استناد تخلف از شرط ضمنی یا بنائی عقد، تعدیل قرارداد را درخواست کند. بر این اساس، نه تنها تعدیل قرارداد با اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم در تعارض نبوده، بلکه نتیجه پیروی از مفاد تراضی طرفین و تبعیت عقد از قصد مشترک طرفین است و ریشه ارادی و قراردادی دارد.

منتقدان این نظریه بر این باورند که استناد به شرط ضمنی نیز توجیه کننده تعدیل قرارداد نیست؛ چراکه اگر طرفین عقد، امکان اصلاح و تجدیدنظر در قرارداد در شرایط پیش بینی شده را در نظر داشتند، قطعاً نسبت به درج شروطی که در صورت تغییر شدید در اوضاع و احوال، تعادل قراردادی را حفظ می کرد، اقدام می نمودند. بنابراین، سکوت متعاملین در زمان انشای عقد، بیانگر تصمیم آنها به الزام به مفاد عقد و اجتناب از هرگونه تخلف از اجرای قرارداد است.^۸

۲.۱.۳. قاعده عسر و حرج

برخی از حقوق دانان، تعدیل قضایی قرارداد در نتیجه تغییر اوضاع و احوال به دلیل حوادث پیش بینی نشده را بر مبنای قاعده «عسر و حرج» تحلیل نموده اند. بر اساس این عقیده، تغییر اوضاع و احوال قاعده ای است که برای جلوگیری از ضرر و حرج ناروا در موارد استثنایی و دور از

۷. سعید بیگدلی، تعدیل قرارداد، (تهران: نشر میزان، ج ۲، ۱۳۸۸)، ص ۱۳۰.

۸. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۸۳.

انتظار به کار برده می شود و درحقیقت تعدیل قضایی قرارداد، شاخه ای از اجرای قاعده عسر و حرج است.^۹

در قانون مدنی ایران، عسر و حرج به عنوان یک اصل کلی پذیرفته نشده است؛ با این حال در ماده ۱۳۰ قانون مدنی به کار گرفته شده و به زوجه به دلیل حدوث شرایط مشقت بار اجازه درخواست طلاق از دادگاه را اعطا نموده است؛ از آنجا که قانون گذار از این قاعده در یک امر حقوقی استفاده کرده و از سوی دیگر، بنابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی در موارد سکوت یا اجمال و یا ابهام، اجازه تمسک به منابع فقهی جهت رفع اشکال قانونی را داده است؛ لذا دایره شمول این قاعده را نباید به حوزه خاصی از حقوق محدود کرد و می توان آن را به عنوان یک قاعده کلی به کار گرفت.^{۱۰}

۳.۱.۳. نظریه اصالت بقا

مبنای دیگری که برای تعدیل قضایی در حقوق ایران مطرح شده، نظریه اصالت بقا است. مطابق این نظریه در صورتی که با تغییر اوضاع و احوال و دشوار شدن اجرای تعهدات قراردادی، تعادل عوضین برهم بخورد و بقای قرارداد به دلیل متزلزل شدن مبنای قرارداد، در خطر قرار گیرد، باید با تعدیل قرارداد، عقد را ابقا نمود و در این دیدگاه، در تفسیر قرارداد باید منافع و مصالح جامعه نیز در نظر گرفته شود و درواقع اصل بقا نگاه اجتماعی دارد و در مورد قراردادهای که دچار تغییر بنیادین شده اند، با توجه به مصالح و منافع اجتماعی تصمیم گیری می نماید.^{۱۱} اصالت بقا به عنوان راهکاری با هدف حفظ و ابقای عقود و قرارداد به کار می رود. برخی از حقوق دانان امکان مطالبه ارش در خیار عیب را یکی از مصادیق اصالت بقا در حقوق ایران می دانند؛^{۱۲} با این حال، پذیرش این نظریه به دلیل اینکه در نظام حقوقی ایران، اصل حاکمیت اراده بر مصالح اجتماعی برتری دارد و اراده مشترک طرفین مبنای اصلی تفسیر قرارداد است، دشوار به نظر می رسد.

۹. همان، ص ۱۰۶.

۱۰. هلیا محمودی، «قلمرو و شرایط استناد به قاعده نفی عسر و حرج به عنوان منبع آثار قراردادی در حقوق ایران و فقه امامیه»، فقه و

حقوق معاصر، ش ۸ (۱۳۹۷)، ص ۱.

۱۱. احمد یوسف زاده و همکاران، «تعدیل قضایی قرارداد بر مبنای عدم تعادل اقتصادی آن در حقوق ایران، حقوق آمریکا و اسناد

بین المللی»، دانش حقوق مدنی، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۱۰۷.

۱۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، تئوری موازنه، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱)، ص ۲۶۳.

۴.۱.۳. حسن نیت

یکی از قواعد حقوقی که در دکترین و رویه قضایی برخی کشورها برای توجیه نظریه تغییر اوضاع و احوال مورد استفاده قرار گرفته، ضرورت اجرای «باحسن نیت» قرارداد است. براساس این نظریه، وقتی تعهد مدیون در اثر اوضاع و احوالی پیش‌بینی نشده، گزاف و سنگین می‌شود، فشار آوردن دائن به مدیون، مخالف اصل حسن نیت است. بنابراین، اگر در صورت تغییر در اوضاع و احوال، طرف عقد چیزی عایدش نشود، یا آنچه عاید او می‌شود، بدون ارزش و بی‌مقدار باشد، به اجرا گذاشتن عقد، مخالف اصل حسن نیت است. لذا این طبیعی خواهد بود که در این صورت به زیان‌دیده اجازه داده شود، در صورت عدم تراضی طرف معامله به عادلانه ساختن عقد با شرایط جدید، آن را فسخ نماید.^{۱۳}

در حقوق سوئیس، توجیه تعدیل یا انحلال قرارداد به شیوه‌های گوناگون انجام می‌پذیرد، اما به‌طور معمول از اصل حسن نیت پیروی می‌شود و حقوق‌دانان سوئیسی مطالبه حق را در شرایطی که تعادل عوضین به‌شدت به‌هم خورده است، رفتاری خلاف حسن نیت می‌دانند. در رویه قضایی نیز گفته شده است، پرداخت دین با پولی که ارزش خود را ازدست داده است، با قواعد مربوط به حسن نیت در قراردادها منافات دارد و چهره‌ای از سوءاستفاده از حق است.^{۱۴}

گرچه در حقوق این کشور، در مبانی پذیرش نظریه تغییر اوضاع و احوال اختلافاتی وجود دارد و قابلیت استناد به ماده یادشده نیز از سوی برخی مورد تردید قرار گرفته است، اما غالباً مبانی این نظریه استفاده از حق و یا تنها مخالفت با «حسن نیت» معرفی کرده‌اند.^{۱۵}

علاوه بر کشورهای یادشده، در ژاپن نیز مبانی پذیرش فسخ یا بازبینی عقد در شرایط پیش‌بینی نشده، مخالفت اجرای قرارداد با حسن نیت است. ماده ۱ ق.م ژاپن می‌گوید: «حقوق خصوصی باید با رفاه و آسایش عمومی منطبق باشد. حقوق و تکالیف باید با شرافت و درستی و منطبق با شرایط حسن نیت اعمال و اجرا شوند. سوءاستفاده از حق مجاز نیست».^{۱۶}

۱۳. سعید بیگدلی، پیشین، ص ۱۴۵.

۱۴. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۸۹.

۱۵. همان، ص ۹۱.

۱۶. غفور خوئینی، «تحلیل فقهی حقوقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها»، متین، ش ۱۳ (۱۳۸۰)، ص ۱۵۱.

در حقوق فرانسه در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی حسن نیت به رسمیت شناخته شده بود و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، قلمرو حسن نیت در قراردادهای افزایش یافت و رعایت حسن نیت در مذاکرات پیش قراردادی، تشکیل و اجرای قرارداد الزامی اعلام شد و این امر مصداق نظم عمومی تلقی گردید.^{۱۷} با وجود به رسمیت شناخته شدن حسن نیت در حقوق فرانسه کمتر به حسن نیت به عنوان مبنایی برای تعدیل قضایی قرارداد نگریسته می شود، زیرا این حکم فقط ناظر به این مطلب است که طرفین باید با حسن نیت وارد مذاکره شده، قرارداد را منعقد و به تعهد خود عمل نمایند؛ یعنی نه تنها به آنچه در عقد بیان شده است عمل کنند، بلکه به آنچه انصاف و عرف یا قانون نیز بر اساس طبیعت تعهد، مقتضی آن است، پایبند باشند. از این حکم نمی توان امکان تعدیل قرارداد را تجویز کرد.^{۱۸} البته در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، در ماده ۱۱۹۵ به صراحت امکان تعدیل قضایی قرارداد مورد پذیرش قرار گرفته است و دیگر نیازی به استناد به حسن نیت جهت تعدیل قرارداد وجود ندارد.

بنابراین برخی از منتقدان، استناد به اصل حسن نیت را در باب تعدیل قرارداد مطلقاً باطل می دانند. از نظر آنها، براساس همین قاعده، طرفین ملزم به انجام دادن صادقانه و کامل مفاد مورد توافق اند و تخطی از این خواست مشترک، خود نوعی سوءنیت است و قاضی نیز نمی تواند تصمیمی مخالف با خواست طرفین اتخاذ کند. پس، منظور قانون گذار از ضرورت اجرای باحسن نیت قرارداد، تأکید بر اجرای آن است، نه دلیلی برای معافیت از آن.

در حقوق ما، حتی اگر بتوان تکلیف مربوط به «اجرای باحسن نیت» قرارداد را از قانون استنباط کرد، به دشواری می توان این قاعده را برخلاف اصل لزوم قراردادهای پایبند بودن دو طرف به مفاد عقد به کار برد. هیچ کس حق ندارد در روابط اجتماعی دست به تقلب و تدلیس بزند. رابطه قراردادی نیز از قلمرو این قاعده بیرون نیست، ولی در این نتیجه تردید است که آیا سختگیری در گرفتن حق را می توان با حسن نیت در اجرای تعهد مخالف دانست؟ آیا لزوم داشتن «حسن نیت» باید در جهت تأیید مفاد تعهد و اجرای کامل آن به کار گرفته شود یا برای معاف

۱۷. جعفر نوری یوشانلوئی و ابوالفضل شاهین، «نوآوری های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران»، پژوهش حقوقی خصوصی، ش ۲۴ (۱۳۹۷)، ص ۲۰۵.

۱۸. سعید بیگدلی، پیشین، ص ۱۴۸.

شدن از اجرای آن^{۱۹}؟

۵.۱.۳. مبنای قانونی

بررسی قوانین و مقررات داخلی ایران در خصوص تعدیل قضایی، نشانگر عدم پذیرش تعدیل قرارداد به عنوان یک قاعده عمومی است، به گونه ای که قانون گذار کنونی تمایلی به تعدیل نداشته، حتی احکام برخی از مواد قانون مدنی همچون مواد ۲۱۹ و ۲۳۰، مانع جدی در تعدیل قرارداد ایجاد می کنند. در قوانین بحث تعدیل قضایی قرارداد، صرفاً در قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ به صورت صحیح مطرح شده بود که به موجب ماده ۴ قانون موصوف، دادگاه می تواند اقدام به تعدیل نرخ اجاره بها منوط به شرایط مندرج در ماده قانونی نماید، که این ماده نیز در خصوص قراردادهای استیجاری تجاری تا قبل از سال ۷۶ قابلیت اجرا داشته است. در سایر مواد قانونی این وضوح به شکل چشمگیری نظیر ماده پیش گفته یافت نمی شود، بلکه باید با تشریح ماده به این امر دسترسی پیدا کنیم. از جمله این موارد می توان به مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی در خصوص تأدیه دین مدیون به دائن اشاره کرد که مطابق مواد یادشده، دادگاه می تواند برای ایفای تعهد به متعهد مهلت عادلانه اعطا نماید. درست است که بر اساس این مواد، دادگاه حق اصلاح میزان تعهدات قراردادی را ندارد، اما اعطای مهلت به متعهد نیز ارفاقی است به او تا بتواند با گرفتن مهلت، راحت تر و بدون مشقت زیاد تعهد خویش را ایفا نماید.

۶.۱.۳. اصل ۴۰ قانون اساسی

با فقدان قاعده کلی در خصوص تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران، اصل ۴۰ قانون اساسی می تواند مبنای قانونی برای تعدیل قضایی قرارداد در صورت دشواری اجرای قرارداد تلقی گردد. پذیرش این نظریه وابسته به این است که اصول و حق تضمین شده در قانون اساسی را به صورت مستقیم قابل اعمال در روابط خصوصی بدانیم. این مسئله که آیا دادگاه ها با استناد مستقیم به اصول قانونی اساسی در دعاوی حقوقی مثل تعدیل قرارداد، می توانند حکم صادر نمایند، زیاد مورد توجه حقوق دانان قرار نگرفته است. بین برخی حقوق دانان که به این موضوع پرداخته اند نیز اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از آنان به صورت غیرمستقیم این موضوع را رد

۱۹. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۹۱.

کرده و بر آن‌اند که دادگاه‌ها نمی‌توانند مستقیماً با استناد به اصول قانون اساسی حکم صادر نمایند؛ چراکه اولاً محاکم به بهانه مخالفت قانون عادی با قانون اساسی نمی‌توانند قانون عادی را نادیده گرفته، اجرا نکنند.^{۲۰} ثانیاً اصول قانون اساسی چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کلی را ترسیم می‌کند و تعیین حدود و ثغور و مصادیق و ضمانت اجرای آن برعهده قانون‌گذار عادی است. برای مثال، قضات نمی‌توانند با استناد بر اصل ۴۰ قانون اساسی، معامله به قصد فرار از دین را نامعتبر اعلام نمایند؛ چراکه مصادیق این اصل باید از سوی قانون‌گذار عادی تعیین گردد؛ همان‌گونه که ماده ۱۳۲ قانون مدنی یکی از مصادیق اصل ۴۰ قانون اساسی است. به موجب این ماده: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». اگر اصل ۴۰ قانون اساسی پذیرفته شده بود و دادگاه‌ها اختیار استناد به آن را داشتند، نیازی به تصویب ماده ۱۳۲ قانون مدنی و تعیین مصداق نبود. این امر حاکی از این است که حدود ممنوعیت‌های قانون اساسی و ضمانت اجرای آن را قانون‌گذار عادی مشخص می‌کند.

در مقابل، امکان اعمال مستقیم اصول قانون اساسی در روابط قراردادی که از آن تحت عنوان اساسی‌سازی حقوق قراردادها یاد می‌شود^{۲۱}، مورد پذیرش دسته‌ای از حقوق‌دانان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد برای پذیرش اساسی‌سازی در نظام حقوقی ایران باید مقدماً ارزش هنجاری قانون اساسی ایران و صلاحیت دادگاه بدوی و به تبع آن، عدم اجرای قانون عادی به دلیل تعارض با قانون اساسی به رسمیت شناخته شود. در حقوق ایران، برخی از حقوق‌دانان معتقد به وصف هنجاری قانون اساسی هستند و قانون اساسی را صرفاً برنامه‌ریز نمی‌دانند. به باور این گروه، ضرورت نظارت شورای نگهبان بر اساسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی (اصول ۷۲ و ۹۴ قانون اساسی) هیچ‌گونه تردیدی را در مورد ارزش هنجاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جای نمی‌گذارد.^{۲۲}

در مورد صلاحیت دادگاه‌ها برای عدم اجرای قوانین عادی مغایر با قانون اساسی باید گفت

۲۰. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۱۱، ۱۳۸۷)، ص ۳۱.

۲۱. یوسف مولائی و مرتضی حاجی‌پور، «اساسی‌سازی حقوق خصوصی»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۱ (۱۳۹۷)، ص ۷.

۲۲. جواد تقی‌زاده، «مساله اساسی‌سازی نظم حقوقی»، پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۳۵.

که حتی قبل از انقلاب که نهادی همچون شورای نگهبان برای حفاظت از قانون اساسی وجود نداشت، دسته‌ای از حقوق‌دانان بر این نظر بودند که دادگاه‌ها برای تشخیص مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی صلاحیت لازم را دارند و در نتیجه می‌توانند از اجرای قوانین و مقررات عادی مغایر با قانون اساسی امتناع نمایند. مطابق این دیدگاه، اولاً مجلس حق قانون‌گذاری برخلاف قانون اساسی را ندارد. ثانیاً، در صورتی که مجلس قانونی را خلاف قانون اساسی تصویب نماید، دادگاه‌ها باید قانون برتر یعنی قانون اساسی را در نظر گرفته، حق عدم اجرای قانون عادی را داشته باشند.^{۲۳} با این حال، هیچ‌گاه این نظر به وسیله دادگاه‌ها و سیستم قضایی وقت مورد پذیرش قرار نگرفته است. حتی برخی از حقوق‌دانان طرفدار این نظریه اذعان داشتند که در مورد تعارض قوانین عادی با قانون اساسی ضمانت اجرایی وجود ندارد. علی‌آزمایش در این زمینه می‌نویسد:

«در لزوم انطباق قانون عادی با مقررات و احکام قانون اساسی تردیدی باقی نمی‌ماند. مرجع صالح برای تشخیص این امر در بعضی کشورها شورای دولتی است و در ایران به عقیده اکثر مولفین حقوقی هیچ مرجعی برای تشخیص این امر وجود ندارد، و بالتیجه مقررات قانون اساسی یا قانون مادر در اساسی‌ترین قسمت آن یعنی لزوم اطاعت مقنن عادی از مقنن مؤسس، فاقد ضمانت اجراست»^{۲۴}.

پیش‌بینی نهاد شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین اصل تفکیک قوا موجب شده است که اکثر حقوق‌دانان بر این نظر باشند که دادگاه‌های عادی نمی‌توانند به دلیل مغایر بودن قانون عادی با قانون اساسی، از اجرای قوانین عادی صرف‌نظر کنند.^{۲۵} با این حال، برخی از حقوق‌دانان همچنان بر صلاحیت دادگاه‌های عادی در عدم اجرای قوانین عادی با استناد به مغایرت آنها با قوانین اساسی تأکید می‌کنند. ناصر کاتوزیان در این زمینه اعلام داشته است:

۲۳. علی‌آزمایش، «مسئله مغایرت قانون با قانون برتر در حقوق ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۱ (۱۳۵۱)، ص ۱۵ و ۱۶.

۲۴. علی‌آزمایش، پیشین، ص ۱۱.

۲۵. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۷۸، ۱۳۹۰)، ص ۱۴۶-۱۴۷.

«دادرس مأمور اجرای قوانین (اعم از عادی و اساسی) است و هنگامی که در دعوا با دو متن متعارض روبرو می‌شود، باید بر حسب قواعد یکی از آن دو را مقدم شمارد. حال، اگر فرض کنیم که یکی از این متون مربوط به قانون اساسی و دیگری از قوانین عادی باشد، عقل حکم می‌کند که قاعده‌عالی‌تر بر مقررات پایین‌تر حکومت کند. درست است که قوه مقننه در برابر قوه قضاییه استقلال دارد و دادرس نمی‌تواند تصمیم‌های آن قوه را ابطال نماید، ولی استقلال قوه قضاییه نیز ایجاب می‌کند که دادرس بتواند آزادانه در برابر قوانین متعارض مطابق اصول حقوقی تصمیم بگیرد، و ناگزیر نباشد که در تجاوز به قانون اساسی با قوه مقننه همدستان شود».

وی وجود شورای نگهبان را موجب از بین رفتن صلاحیت دادگاه‌های عادی در این زمینه نمی‌داند، چراکه وظیفه شورای نگهبان جلوگیری از تصویب قوانین برخلاف قانون اساسی است و به صورت نوعی مانع اجرای آن می‌شود؛ درحالی که دادگاه صرفاً می‌تواند در دعوی مطروحه قانون اساسی را به‌عنوان قانون حاکم انتخاب کند و آن را بر قانون عادی مقدم بداند. بنابراین تعارضی بین دو صلاحیت موردبحث وجود ندارد تا پیش‌بینی شورای نگهبان را به مفهوم نفی صلاحیت دادگاه عادی بدانیم.

با وجود این، رویه قضایی در حقوق ایران همچنان بر عدم صلاحیت خود در تشخیص تعارض قوانین عادی با قانون اساسی و عدم اجرای قانون عادی به همین دلیل تأکید می‌کند و نظر استادان یادشده محجور مانده است. با این حال، به‌نظر می‌رسد اصل ۴۰ قانون اساسی می‌تواند مستند قانونی تعدیل قضایی قرارداد تلقی گردد؛ چراکه با تغییر اوضاع و احوال و دشوار شدن اجرای قرارداد، اصرار متعهدله به اجرای قرارداد می‌تواند مصداق سوءاستفاده از حق تلقی شود که اصل ۴۰ قانون اساسی هم آن را منع می‌کند. مطابق نظریه اخیر، دادگاه‌ها باید مانع از سوءاستفاده از حق از جانب متعهدله شده، با تعدیل قرارداد ضرر وارده به متعهد را در حد معقول و متعارف رفع کنند.

۲.۳. مبانی تعدیل قرارداد در حقوق ترکیه

حقوق تعهدات ترکیه، بیشتر تحت تأثیر و نفوذ حقوق سوئیس و حقوق آلمان است. در قانون تعهدات قدیم ترکیه که از قانون تعهدات سوئیس اقتباس شده بود، نظریه تغییر اوضاع و احوال و تعدیل قضایی قرارداد به‌صراحت پیش‌بینی نشده بود و نص صریحی در این خصوص وجود

نداشت؛ لذا حقوق‌دانان و رویه قضایی با استناد به اصل حسن‌نیت و قاعده فروپاشی مبنای قرارداد، تعدیل قضایی را در حقوق ترکیه قابل پذیرش می‌دانستند. گفتنی است با توجه به بحران‌های اقتصادی تجربه‌شده در کشور ترکیه در دهه‌های اخیر و آثار منفی این بحران‌ها به‌ویژه بر بدهی‌های ارزی، در دکترین حقوقی و رویه قضایی ترکیه مباحث مربوط به تعدیل قراردادها افزایش چشمگیری یافته است. با این حال، تا زمان تصویب قانون جدید تعهدات، نبود رویکرد منسجم در رویه قضایی دیوان عالی کشور انتقاداتی را در این دکترین به‌همراه داشته است.^{۲۶}

تعدیل قرارداد در حقوق ترکیه، مانند حقوق فرانسه، ابتدا از سوی دیوان عدالت اداری پذیرفته و در شاخه حقوق اداری این کشور اجرا شد.^{۲۷} اولین بار دیوان عدالت ترکیه در سال ۱۹۴۲، امکان تعدیل قرارداد را در قراردادهای کار پذیرفت و این نکته شروع پذیرش قابلیت تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ترکیه بوده است.^{۲۸}

با تصویب قانون تعهدات جدید ترکیه در سال ۲۰۱۱، قانون‌گذار در ماده ۱۳۸ این قانون، به‌صراحت نظریه دشواری شدید در ایفای تعهد را پذیرفت و به دادگاه‌های ترکیه اجازه داد در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال و دشواری شدید اجرای قرارداد، در روابط قراردادی دخالت نموده، با توجه به شرایط جدید تعهدات قرارداد را اصلاح و تعدیل نمایند.

۱.۲.۳. حسن‌نیت

در نظام حقوقی ترکیه برخلاف حق ایران، حسن‌نیت به‌عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شده است. ماده ۲ قانون مدنی ترکیه مصوب ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «هر شخصی در احقاق حقوق قانونی و انجام تعهدات خویش باید براساس حسن‌نیت عمل نماید. سوءاستفاده آشکار از حق مورد حمایت نظم حقوقی نیست». به‌موجب این حکم، اشخاص در ایفای تعهدات خود باید حسن‌نیت داشته، نباید با سوءاستفاده از حق موجب تضرر طرف مقابل گردند.

26. BAYSAL, "Başak, Sözleşmenin Uyarlanması, On İki Levha Yayıncılık", İstanbul, (2009), S. 75.

27. FEYZİOĞLU, Turhan, "İdare Hukukunda Emprevizyon Nazariyesi, Milli Eğitim", Ankara, (1947), S. 30.

28. GÜRSOY, Kemal Tahir, "Hususi Hukukta Clausula Rebus Sic Stantibus, Güney Matbaacılık ve Gazetecilik T.A.O", Ankara, (1950), S. 75.

در قانون قدیم تعهدات ترکیه، تعدیل قضایی قرارداد به صراحت در قانون پیش‌بینی نشده بود و تا زمان تصویب قانون تعهدات جدید در سال ۲۰۱۱، مقررات قانونی خاصی در مورد تعدیل قرارداد وجود نداشت. مهم‌ترین ابزاری که حقوق‌دانان و دادگاه برای تعدیل قرارداد به آن متوسل می‌شدند، اصل حسن‌نیت موضوع ماده ۲ قانون مدنی ترکیه بود. گفتنی است، اگرچه در قانون تعهدات جدید ترکیه تعدیل قضایی قرارداد در ماده ۱۳۸ پیش‌بینی شده، اما در حکم ماده ۱۳۸ نیز به صراحت بر حسن‌نیت تأکید و اعلام شده است که در نظریهٔ دشواری شدید اجرای قرارداد، باید قاعدهٔ حسن‌نیت در نظر گرفته شود.^{۲۹}

۲.۲.۳. نظریهٔ فروپاشی مبنای قرارداد

یکی از نظریه‌هایی که در دکترین حقوقی به عنوان راه‌حلی برای تعدیل قضایی مطرح شده، نظریهٔ «فروپاشی مبنای معامله» است. به موجب این نظریه، هر قراردادی با توجه به ارادهٔ مشترک طرفین، دارای هدف و مبنای خاصی است و در صورتی که به دلایل اقتصادی، اجتماعی یا هر حادثهٔ پیش‌بینی نشده‌ای اجرای تعهدات قراردادی ناممکن یا با دشواری شدیدی مواجه شود، دادگاه حق تعدیل یا فسخ قرارداد را دارد. بنابراین در صورتی که بعد از انعقاد قرارداد، به دلیل حوادث پیش‌بینی نشده، تعادل بین عوضین عقد به طور عینی مختل شده باشد و در نتیجهٔ این اختلال، انتظار متعهدله برای اجرای قرارداد از سوی متعهد، نقض قاعدهٔ حسن‌نیت باشد، باید گفت مبنای معامله از بین رفته است. در هنگام انشای عقد، فرض بر این است که بین عوضین تعادل وجود دارد. در این صورت می‌توان گفت که مبنای معامله شروطی است که طرفین هنگام انعقاد قرارداد به صورت صریح یا ضمنی بر آن توافق کرده‌اند. اگر پذیرفته شود که مبنای معامله در نتیجهٔ حوادث پیش‌بینی نشده سقوط کرده است، زیان طرف متضرر با توجه به این وضعیت چگونه جبران می‌شود؟ تئوری سختی شدید اجرای قرارداد یا امپرویزیون^{۳۰} که برای اولین بار از سوی دربار امپراتوری آلمان پذیرفته شد، اعلام می‌دارد که اگر عدم تعادل عینی بین عوضین معامله به دلیل حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی رخ دهد، می‌توان درخواست کرد که قرارداد از سوی دادگاه تعدیل شده یا امکان انحلال آن فراهم گردد. همچنین، شایان ذکر است که تعدیل قرارداد

29. Aydemir, Efrail; "Hukukta 4 Kavram 4 Konu", Adalet Yayınevi, Ankara, (2011), S. 213.

30. Improvisation

با شرایط متغیر آن قدرها هم که به نظر می‌رسد آسان نیست. برای اینکه سازگاری رخ دهد، باید شرایط خاصی رعایت شود. بر اساس دیدگاه عمومی، برای تعدیل عقد باید شرایط پس از انعقاد قرارداد به گونه‌ای غیرعادی و عینی تغییر کرده باشد که از سوی طرفین پیش‌بینی نشده باشد و بین اعمال طرفین به دلیل این تغییر شرایط عدم تعادل شدید به وجود آمده باشد. ضمناً تغییر شرایط نباید تقصیر طرفین باشد و تعهدات ناشی از عقد نیز هنوز اجرا نشده باشد.^{۳۱}

اکثر حقوق‌دانان ترکیه نظریهٔ فروپاشی مبنای قرارداد را به عنوان مبنای اصلی تعدیل قضایی قرارداد پذیرفته‌اند. هرچند به نظر برخی از حقوق‌دانان، این نظریه در حقوق ترکیه آن گونه که در حقوق آلمان درک شده است مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.^{۳۲} اگرچه برخی از نویسندگان حقوقی بر این باورند که نظریهٔ فروپاشی مبنای معاملات آلمان در دکتربین با حقوق ترکیه سازگار نبوده، قابل اعمال نیست. اما در هر حال، در مقایسه با سایر آموزه‌ها، نظریهٔ فروپاشی مبنای معامله طرف‌داران بیشتری داشته، از نظر حقوق تطبیقی محتوایی غنی ارائه می‌دهد.

مادهٔ ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه مصوب ۲۰۱۱ که به صراحت قاعدهٔ دشواری شدید اجرای قرارداد و تعدیل قضایی قرارداد را به عنوان اصل کلی پذیرفته است، از مادهٔ ۳۱۳ قانون مدنی آلمان اقتباس شده است و در نتیجه، مبنای مادهٔ ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، قاعدهٔ فروپاشی مبنای قرارداد است. البته اگرچه مفاد مادهٔ ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، مشابه حکم مادهٔ ۳۱۳ قانون مدنی آلمان است، ولی باید توجه داشت که در مادهٔ ۳۱۳ قانون مدنی آلمان درخواست تعدیل قرارداد از سوی هریک از طرفین عقد قابل پذیرش است؛ درحالی که در مادهٔ ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه فقط متعهد حق درخواست تعدیل قرارداد را از دادگاه به دلیل دشواری شدید اجرای تعهدات دارد. علاوه بر این، اگرچه مفهوم دشواری شدید در اجرا مقرر در مادهٔ ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، مشابه پدیدهٔ برهم زدن تعادل بین عوضین مقرر در مادهٔ ۳۱۳ قانون مدنی آلمان است، ولی به هم خوردن تعادل عوضین قرارداد، از سوی هردو طرف عقد قابل استناد است، ولی به نظر

31. Memet Erdem Aybay, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, (2019). p. 333.

32. CANBOLAT, Ferhat, "Sözleşmelerde Amacın Gerçekleşmesi Çökmesi ve Boşa Çıkması", Yetkin Yayınları, Ankara, (2012), p. 228.

می‌رسد که دشواری شدید اجرای قرارداد، فقط از سوی متعهد قابلیت استناد دارد.^{۳۳}

۳.۲.۳. مبنای قانونی

برای اولین بار به موجب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه مصوب ۲۰۱۱، نظریه دشواری شدید اجرای قرارداد و تعدیل قضایی قرارداد پذیرفته شد. بر اساس این ماده «وضعیت فوق‌العاده‌ای که در زمان انعقاد قرارداد از سوی طرفین پیش‌بینی نشده بود یا انتظار نمی‌رفت به دلیلی خارج از اراده متعهد اتفاق بیفتد و واقعیت‌های موجود در زمان انعقاد قرارداد را به ضرر طرفین تغییر دهد، تاحدی که مطالبه ایفای تعهد از متعهد خلاف مقررات حسن‌نیت باشد و او هنوز تعهد خود را اجرا نکرده یا به دلیل عسر و حرج زیاد در انجام آن خلل به وجود آمده باشد، در صورتی که متعهد با حفظ حقوق خود عمل کرده باشد، حق درخواست از دادگاه برای تعدیل قرارداد با شرایط جدید را دارد و در صورت عدم امکان تعدیل، دارای حق انصراف از قرارداد است و در قراردادهای با اجرای مستمر، به جای حق انصراف از حق فسخ استفاده می‌کند. حکم این ماده در مورد دیون ارزی نیز جاری است».

در شرح توجیه قانون در مجلس ترکیه، علت تنظیم ماده به شرح زیر بیان شده است:

«حکم این ماده، مربوط به نظریه «فروپاشی مبنای معامله» بوده که به عنوان یکی از استثنای اصل لزوم قرارداد (وفای به عهد) شمرده شده است. مبنای درخواست تعدیل بر اساس سختی شدید اجرا که با مفهوم غیرممکن متفاوت بوده، قواعد حسن‌نیت مندرج در ماده ۲ قانون مدنی ترکیه است. اما تعدیل قرارداد یا اعمال حق انصراف و فسخ به دلیل تغییر اوضاع و احوال، منوط به تحقق چهار شرط زیر است:

الف- در زمان عقد قرارداد باید وضعیت فوق‌العاده‌ای رخ داده باشد که از سوی طرفین پیش‌بینی نشده بود یا انتظار نمی‌رفت.

ب- این وضعیت نباید از جانب بدهکار ایجاد شود.

33. BAYSAL, "Sözleşmenin Uyarlanması", Memet Erdem Aybay, SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, S. 337.

ج- حادثه پیش‌بینی نشده باید واقعیت‌های موجود در زمان انعقاد قرارداد را به ضرر متعهد تغییر داده باشد تا جایی که مطالبه ایفای تعهد از او مغایر با قواعد حسن‌نیت باشد.

د- متعهد باید هنوز تعهد خویش را ایفا نکرده باشد و یا با حفظ حقوق ناشی از سختی شدید آن را انجام داده باشد.

بر اساس این ماده، در صورت احراز کلیه شرایط تعدیل، متعهد می‌تواند از قاضی تقاضای تعدیل قرارداد با شرایط جدید را بنماید. اگر این امکان‌پذیر نباشد، متعهد حق انصراف از قرارداد را داشته، در قراردادهای مستمر، حق فسخ معامله را دارد»^{۳۴}.

اگرچه حکم این ماده یکی از نوآوری‌های قانون تعهدات جدید ترکیه بوده و قانون‌گذار ترکیه برای اولین بار به‌موجب این ماده، نظریه دشواری شدید در اجرای قرارداد و تعدیل قضایی عقد را به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته، در دکترین حقوقی ترکیه با انتقاداتی نیز مواجه شده است، اما از نظر ارائه مبنای حقوقی به‌عنوان تحولی ستودنی توصیف می‌شود.

مهم‌ترین انتقاد واردشده به حکم ماده پیش‌گفته، این است که اگرچه در شرح رسمی قانون تعهدات و در مذاکرات مجلس این حکم مربوط به فروپاشی مبنای معامله اعلام شده است، اما هم از نظر عنوان و هم محتوا، حکم این ماده به دشواری شدید در اجرا مربوط می‌شود که یکی از مظاهر فروپاشی مبنای معامله است، نه خود نظریه سقوط مبنای قرارداد^{۳۵}. با این حال، وقتی صحبت از فروپاشی اساس معامله می‌شود، سه احتمال به ذهن خطور می‌کند: دشواری شدید در عملکرد، ازدست دادن تعادل بین عوضین، بی‌معنا شدن قرارداد با هدفی که آن را دنبال می‌کرده است^۱. بنابراین حکم ماده موردبحث صرفاً یکی از مصادیق، یعنی نظریه فروپاشی مبنای معامله را پذیرفته است. برخی از حقوق‌دانان ترکیه بر این باورند که اگرچه در توجیه حکم ماده موردبحث تأکید شده که مفهوم دشواری شدید در اجرای قرارداد، متفاوت با عدم امکان اجرای عقد است، اما نویسندگان قانون تعهدات ترکیه، مقرراتی در خصوص عدم امکان اجرای قرارداد

34. YAVUZ, Nihat, "6098 sayılı Türk Borçlar Kanunu Şerhi", Cilt:1, Adalet Yayınevi, Ankara, (2013). S. 838.

35. BAYGIN, Cem, "Türk Borçlar Kanunu'nun Borç İlişkisinin Hükümleri Borçların ve Borç İlişkilerinin Sona Ermesi Konularında Getirdiği Bazı Yenilik ve Değişiklikler", EÜHFD, C. XIV, S. 3-4, Erzincan (2010). S. 143.

پیش‌بینی نکرده‌اند و قانون تعهدات ترکیه در این خصوص ساکت است.

همچنین به باور برخی دیگر از حقوق‌دانان ترکیه، نویسندگان قانون تعهدات ترکیه، عنوان «دشواری شدید اجرا» را برای ماده ۱۳۸ به کار گرفته‌اند؛ درحالی که در متن ماده، بیشتر از آثار دشواری شدید اجرای قرارداد بحث شده و در این ماده، نظریه دشواری شدید اجرای تعهد صرفاً موجب انحلال عقد نشده، بلکه در وهله اول، هدف این نظریه، زنده نگه داشتن قرارداد از طریق تعدیل آن بوده و در صورت عدم امکان تعدیل، حق انحلال قرارداد برای متعهد پیش‌بینی شده است. در نتیجه، بهتر بود از عنوان «آثار دشواری شدید اجرا» برای این ماده استفاده می‌شد.

پس از تصویب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، قلمرو اعمال حکم یادشده یکی از مباحث مناقشه‌آمیز در دکترین و رویه قضایی ترکیه است.

مشهور حقوق‌دانان ترکیه، حکم ماده ۱۳۸ قانون تعهدات را مخصوص قراردادهای تلقی نموده، ایقاع را خارج از دایره شمول حکم یادشده می‌دانند. بر اساس این عقیده در ایقاعات همانند وصیت، نظریه فروپاشی مبنای قرارداد جایگاهی ندارد و لذا نظریه دشواری اجرا و تعدیل قضایی در اعمال حقوقی یک‌جانبه منتفی است.^{۳۶}

زمانی که از تعدیل قضایی قرارداد بحث می‌شود، بدون شک عقود معوض و دو تعهد به ذهن متبادر می‌شود؛ یعنی معاملاتی که متعاقبین در مقابل هم تعهداتی را برعهده می‌گیرند.^{۳۷} با این حال، در خصوص امکان تعدیل عقود غیرمعوض و یک‌تعهدی در حقوق ترکیه اختلاف نظر وجود دارد. اینکه آیا می‌توان قراردادهایی را که فقط به یکی از طرفین، تعهد را تحمیل می‌کنند، تعدیل کرد یا خیر، رویه واحدی در محاکم ترکیه دیده نمی‌شود.

در خصوص این مسئله بین حقوق‌دانان ترکیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از نویسندگان حقوقی، به دلیل عدم لزوم وجود تعادل بین عوضین در عقود غیرمعوض، امکان تعدیل در این دسته از قراردادهای را نپذیرفته‌اند. به سخن دیگر، به موجب این عقیده، چون امکان برهم خوردن

36. BAYSAL, "Sözleşmenin Uyarlanması", Memet Erdem Aybay, "SÖZLEŞMENİN DEĞİŞEN KOŞULLARA GÖRE UYARLANMASI (YARGITAY HUKUK GENEL KURULU KARARI İNCELEMESİ)", Cevdet Yavuz'a Armağan, S. 98.

37. Öztan, Bilge; "Medeni Hukuk'un Temel Kavramları", Turhan Kitabevi, Ankara, (2008). S. 90.

تبادل بین عوضین در عقود غیرمعوض قابل تصور نیست، تعدیل قضایی این نوع عقود نیز منتفی است. اما مشهور حقوق دانان، معتقد به امکان تعدیل عقود مورد بحث بوده، بر این باورند از آنجا که سقوط مبنای معامله، صرفاً به برهم خوردن تعادل اقتصادی بین عوضین محدود نمی‌شود، بنابراین در عقود غیرمعوض نیز امکان تعدیل قضایی وجود دارد و این نظریه در سال‌های اخیر طرفداران بیشتری پیدا کرده است. برای مثال، اگرچه عقد هبه عقد غیرمعوض و یک‌تعهدی است، اما به موجب ماده ۲۹۶ قانون تعهدات ترکیه، در صورتی که بعد از انعقاد عقد هبه، وضعیت مالی واهب به حدی بد شود که ایفای تعهد برای وی به شدت دشوار باشد، واهب حق رجوع از هبه دارد. طرفداران امکان‌پذیر بودن تعدیل عقود غیرمعوض، این امر را نمونه‌ای از امکان تعدیل در این گونه قراردادها می‌دانند.^{۳۸} همچنین در حقوق ترکیه امکان تعدیل قضایی قرارداد در عقود معوضی که بین عوض تقابل وجود ندارند، پذیرفته شده است. در این گونه تعهدات، تعهد یکی از طرفین بعد از اجرای تعهد طرف دیگر عقد ایجاد می‌شود؛^{۳۹} در واقع، امکان برهم خوردن تعادل عوضی در چنین قراردادهایی نیز امکان‌پذیر است.

به‌طور سنتی تعدیل قضایی در قراردادهای مستمر مطرح می‌شود، چراکه اجرای آنها به زمان طولانی نیاز دارد و درعمل نیز لزوم تعدیل قرارداد در این نوع معاملات، بیشتر مطرح می‌شود؛ زیرا احتمال وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی در این نوع عقود بیشتر است.^{۴۰} با وجود این، بسیاری از نویسندگان حقوقی استدلال کرده‌اند که تغییر اوضاع و احوال و تعدیل قرارداد ممکن است در برخی موارد در قراردادهای غیرمستمر نیز رخ دهد؛ به‌ویژه در عقود فوری که بین تاریخ انعقاد عقد با سررسید ایفای تعهد فاصله وجود داشته باشد، دشواری شدید اجرای تعهد و تعدیل، بیشتر می‌تواند رخ دهد، زیرا در هر قراردادی که بین تشکیل و اجرای آن فاصله زمانی وجود داشته باشد احتمال وقوع حوادث پیش‌بینی نشده می‌رود. با این حال، دیوان عالی ترکیه در بسیاری از احکام خود تعدیل قضایی را منحصر به عقود مستمر دانسته و عقود فوری را مشمول مقررات

38. Zehra Betül KULP, "AŞIRI İFA GÜÇLÜĞÜ (TBK. md. 138)", Yüksek Lisans Tezi, ANKARA ÜNİVERSİTESİ, 2015, S. 98.

39. Kaplan, İbrahim; "Hâkimin Sözleşmeye Müdahalesi", Seçkin Yayınları, Ankara, (2007). S. 151.

40. Aydemir, Efrail; "Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu", Seçkin Yayınları, (2013). S. 119.

تعدیل نشمرده است^{۴۱}.

شعبه یازدهم دیوان عالی ترکیه در سال ۲۰۰۰ مقرر نمود که تعدیل قضایی قراردادهای فوری منتفی است و امکان تغییر اوضاع و احوال را نمی‌توان در قراردادهای اجرای فوری قابل تصور دانست؛ زیرا پس از ایفای تعهد، ادعای تغییر شرایط و دشوار شدن اجرای تعهد قابل طرح نیست. البته در قراردادهای فوری مؤجل، نظریه دشواری شدید اجرای تعهد پذیرفته شده است؛ با این حال، دیوان عالی کشور نیز در سال‌های اخیر رویه خود را تغییر داده و دیدگاه غالب در دکترین حقوقی ترکیه را پذیرفته و امکان تعدیل در قراردادهای حال یا فوری را قبول کرده است. دیوان عالی در سال ۲۰۱۰ اعلام داشت: اعتقاد به اینکه تغییر اوضاع و احوال و تعدیل قرارداد فقط می‌تواند در عقود دو تعهدی و مستمر اعمال گردد صحیح نیست. در واقع، دیوان عالی ترکیه در این حکم نظر خود را در راستای دیدگاه غالب در دکترین تغییر داده، امکان تعدیل در عقود فوری را صادر کرده است. دیوان عالی در تصمیم خود به صراحت اعلام نموده است: این اصل را می‌توان در قرارداد خرید و فروش و همچنین در خرید و فروش خودرویی که باید از ایتالیا وارد و تحویل داده شود، اعمال کرد. بنابراین، محدود کردن اصل دشواری اجرای قرارداد فقط به قراردادهای با اجرای مستمر، صحیح نخواهد بود. از منظر نگارندگان، باید پذیرفت که به‌طور گسترده‌تر می‌توان این اصل را در خصوص قراردادهایی که در آینده نتیجه می‌دهند یا در آینده محقق می‌شوند و یا با اجرای فوری خاتمه نیافته‌اند نیز اعمال کرد. بنابراین با برقراری حکم، تعدیل قراردادهای اجرای فوری امکان‌پذیر شده است^{۴۲}.

گفتنی است که از مفاد ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه، اعمال نظریه دشواری شدید اجرا و تعدیل قضایی در عقود حال یا فوری قابل استنباط است، زیرا در ماده یادشده آمده است: «در عقود با ایفای مستمر، مدیون قاعداً به جای انصراف از حق فسخ استفاده می‌کند». مفهوم مخالف این جمله آنست که حکم ماده ۱۳۸ در مورد این دسته از قراردادها نیز قابل اعمال بوده، به جای حق فسخ که مخصوص عقود مستمر است، متعهد در این عقود در صورت دشواری شدید اجرای تعهد، حق انصراف از قرارداد را دارد. البته به موجب ماده ۱۳۸ قانون تعهدات ترکیه تعدیل

41. AY Kaplan DEMİR, Efrail, "Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu", Seçkin Yayınları, (2013), S. 121.

42. Memet Erdem Aybay, *op. cit.*, S. 329.

قراردادی امکان‌پذیر است، ولی در موقعیتی که متعهد هنوز تعهد خود را ایفا نکرده و مدیون به تعهد خود عمل کرده باشد، درخواست تعدیل قرارداد دیگر اعتباری نخواهد داشت؛ زیرا فرض بر این است که قرارداد قابل اجرا بوده، شرایطی وجود ندارد که مستلزم تعدیل باشد.

عدم قابلیت پیش‌بینی تغییر اوضاع و احوال شرط اساسی تعدیل قضایی قرارداد در نظام حقوقی ترکیه است؛ برای مثال، نوسان شدید نرخ ارز در ترکیه همانند ایران یک مشکل اساسی است، به‌طوری که قراردادهایی را که با ارز خارجی منعقد شده‌اند همیشه با مشکل مواجه می‌سازد؛ با این حال، سال‌ها در خصوص اینکه آیا تغییر شدید نرخ ارز حادثه غیرقابل پیش‌بینی است یا خیر، اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه دیوان عالی ترکیه در سال ۲۰۱۴، افزایش نرخ ارز در ترکیه را حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی ندانست و تعدیل تعهدات ارزی به دلیل افزایش نرخ ارز را رد کرد. در این پرونده، خواهان از بانک وام مسکن ارزی (ین ژاپن) دریافت کرده بود و با افزایش شدید نرخ ارز، خواهان دعوای تعدیل قرارداد را مطرح ساخت با اینکه دادگاه بدوی موضوع را مشمول حکم ماده ۱۳۸ قانون تعهدات دانست و حکم به تعدیل قرارداد صادر کرد. شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه با این استدلال که افزایش نرخ ارز در ترکیه حادثه غیرقابل پیش‌بینی نیست، حکم موصوف را نقض و به شعبه هم‌عرض ارجاع داد. دادگاه هم‌عرض هم استدلال شعبه ۱۳ دیوان عالی را نپذیرفت و بر امکان تعدیل قرارداد تأکید نمود. درنهایت دیوان عالی کشور ترکیه طی رأی وحدت رویه‌ای، افزایش نرخ ارز را حادثه غیرقابل پیش‌بینی ندانست.^{۴۳} البته گفتنی است که رویه قضایی ترکیه به صورت مطلق هرگونه افزایش نرخ ارز را حادثه‌ای قابل پیش‌بینی تلقی نکرده، بلکه اعتقاد بر این است که در هر پرونده باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص آن پرونده تصمیم‌گیری شود. برای مثال، در پرونده‌ای که مبنای دادنامه شماره ۲۲/۱۹۹۵ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۹۵ صادره از شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه بوده، خواهان از خوانده (بانک)، برای بخشی از ارزش خانه‌ای که قصد خرید آن را داشته، وامی با نرخ ارز مارک آلمان که در آن زمان رایج بوده، دریافت کرده است. لیکن به دلیل افزایش فوق‌العاده ارزش مارک آلمان در برابر لیر ترکیه در نتیجه بحران سال ۱۹۹۴، خواهان مدعی شد که در ژانویه همان سال مبلغ بدهی وی بسیار بیشتر از میزانی بود که در صورت عدم افزایش نرخ ارز

43. Memet Erdem AYBAY, *op. cit.*, S. 332.

باید پرداخت می‌کرد و به این ترتیب، خواستار فسخ قرارداد شد. خواهان پس از دریافت پاسخ منفی از بانک، از دادگاه تقاضای تعدیل قرارداد را نمود. دادگاه بدوی دعوا را رد کرد. شعبه سیزدهم دادگاه عالی حقوقی پس از درخواست تجدیدنظر، رأی دادگاه بدوی را نقض و در حکم خود اعلام نمود: «... در حل اختلاف، بررسی و روشن شدن این موضوع که آیا در اثر بحران اقتصادی و تصمیمات دولتی پس از انعقاد قرارداد، مبنای معامله که رکن اصلی قرارداد و مورد توافق اولیه طرفین بوده، به‌جز افزایش طبیعی قیمت ارز، دچار فروپاشی شده است یا خیر، اجتناب‌ناپذیر است... لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۲ قانون مدنی ترکیه، دارا شدن بلاجهت بایع به صورت غیرمنتظره و غیرعادی و ناشی از بحران اقتصادی و کاهش ارزش پول که نتایج آن قابل پیش‌بینی نبوده، به هیچ عنوان قابل توجیه نیست و با اصل تساوی حقوق طرفین در قرارداد مغایرت دارد؛ بعلاوه، احساس عدالت ملموس را نیز خدشه‌دار می‌سازد. در چنین شرایطی، اگر مبنای و اصول تعدیل به نفع خریدار ایجاد شده باشد، «به طریق اولی» باید پذیرفت که خریدار می‌تواند برای تعدیل قیمت خرید اقامه دعوا نماید... در صورتی که فروپاشی مبنای معامله و برهم خوردن غیرقابل تحمل تعادل منافع در قرارداد به نفع خواهان پذیرفته شود، باید میزان مسئولیت خریدار در پرداخت ثمن معامله مشخص گردد و بدین ترتیب ثمن معامله در قرارداد بر اساس حسن نیت عینی، حق و انصاف (ماده ۴ و ۲ قانون مدنی) به نحوی که با هدف طرفین سازگار باشد، مجدداً بر اساس ارزش خارجی تعدیل شود. در هر حال، باید یک کارشناس مالی و یک اقتصاددان در هیئت کارشناسی حضور داشته باشند». در نتیجه، شعبه ۱۳ دیوان عالی ترکیه، تعدیل قضایی قرارداد را پذیرفت، حکم بدوی را نقض و رأی تعدیل قرارداد موضوع پرونده را صادر کرد. به‌نظر حقوق‌دانان ترکیه، با توجه به ارزیابی‌های انجام‌شده در این موارد، می‌توان نتیجه گرفت که شعبه ۱۳ دادگاه عالی حقوقی معتقد است که در قراردادهای مرتبط با ارز، باید بررسی دقیقی برای تعدیل انجام شود و قاعده کلی در این خصوص کارساز نیست، بلکه هر پرونده باید با توجه به شرایط و احوال آن مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین صحت این ارزیابی جامع نباید مورد تردید قرار گیرد^{۴۴}. در تأیید صحت این رأی می‌توان به حکم صادره از شعبه ۱۱ دیوان عالی ترکیه استناد نمود^{۴۵}؛ به این شرح که در پرونده‌ای که مبنای دادنامه صادره

44. Ibid, S. 339-340.

45. Yarg. 11. HD E.1995/8932 K.1996/704 T.05.02.1996 (www.kazanci.com Erişim Tarihi 24.02.2015).

از شعبه ۱۱ دیوان عالی ترکیه به تاریخ ۵ فوریه ۱۹۹۶ بوده است، خواهان در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ از خوانده (بانک)، «وام مسکن» با نرخ دلار آمریکا را به صورت لیر ترکیه دریافت کرد و مقرر داشت که بازپرداخت‌ها به صورت ارزی انجام شود. خواهان با این ادعا که به دلیل بحران اقتصادی سال ۱۹۹۴ بازپرداخت وام با ارز خارجی دشوار شده، از دادگاه بدوی تقاضای تعدیل قرارداد را نموده است. دادگاه بدوی حکم به پذیرش دعوا صادر کرده، که این رأی از سوی بانک خوانده مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. نکته قابل توجه در این پرونده این است که در ارزیابی ادله از سوی شعبه، مشخص شده است خوانده با پذیرش دشوار شدن اجرای قرارداد، چهار پیشنهاد جدید برای بازپرداخت وام به خواهان ارائه نمود و خواهان هیچ‌کدام از پیشنهادهای یادشده را نپذیرفت و اقدام به طرح دعوا نمود. به نظر شعبه ۱۱ دیوان عالی، دادگاه بدوی به دلیل اینکه بدون بررسی مناسب بودن پیشنهادهای بازپرداخت، حکم صادر کرده، رأی دادگاه بدوی را نقض نموده است. به نظر می‌رسد اگرچه نتیجه این رأی متفاوت است، اما مانند رأی پیش‌گفته، استدلال دیوان عالی صحیح است؛ چراکه اقامه دعوی تعدیل عقد از سوی خواهان بدون درنظر گرفتن گزینه‌های پرداختی که به او ارائه شده، وضعیتی را به ضرر خود ایجاد کرده است. همچنین، صدور رأی از جانب دادگاه بدوی بدون درنظر گرفتن این پیشنهادهای همان‌طور که در رأی دیوان عالی به‌درستی بیان شده است - نقض حکم بدوی را به دلیل نقص تحقیقات توجیه می‌کند.

نتیجه

با عنایت به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد با توجه به فقدان قاعده کلی در حقوق ایران در خصوص تعدیل قضایی قرارداد، می‌توان با استناد به قاعده عسر و حرج و شرط ضمنی، قاعده لاضرر و اصل ۴۰ قانون اساسی را در موقعیت‌هایی که به دلیل حوادث پیش‌بینی شده اجرای تعهد با سختی شدیدی مواجه می‌شود، امکان تعدیل قرارداد را پذیرفت؛ با این حال، لزوم وضع یک قاعده عمومی در این خصوص احساس می‌شود. در حقوق ترکیه، از نیمه دوم قرن بیستم، دکترین حقوقی و رویه قضایی تحت تأثیر نظریه فروپاشی مبنای معامله، امکان تعدیل قضایی قرارداد را مورد بحث قرار داده است؛ با وجود این، اصل حسن‌نیت به‌عنوان مبنای اصلی تعدیل قضایی قرارداد پذیرفته شده بود و رویه قضایی بر همین مبنا در قراردادهایی که با حوادث

غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌شد مداخله نموده، آن را تعدیل می‌کرد. با تصویب قانون جدید تعهدات در سال ۲۰۱۲، در ماده ۱۳۸ قانون پیش‌گفته، نظریه دشواری شدید اجرای تعهد پذیرفته شده و به دادگاه اختیار مداخله در قرارداد و تعدیل میزان تعهد داده شده است. هرچند در خصوص قلمرو اعمال حکم موصوف، اختلافاتی در رویه قضایی و دکترین حقوقی وجود دارد؛ با این حال، به موجب نظریه غالب در حقوق ترکیه، نه تنها عقود معوض مستمر، بلکه عقود یک‌تعهدی و فوری نیز مشمول این حکم می‌شود، ولی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه در سال ۲۰۱۵، تغییر نرخ ارز را با توجه به وضعیت اقتصادی ترکیه حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی ندانسته و تعدیل قضایی تعهدات ارزی در صورت نوسان شدید نرخ ارز را به شدت محدود کرده است.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

– کتاب‌ها

۱. بیگدلی، سعید (۱۳۸۸). *تعدیل قرارداد*، تهران: میزان.
۲. جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۸۱). *تئوری موازنه*، تهران: گنج دانش.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. سلطانیان، صحبت‌الله (۱۳۹۴). *تعدیل قضائی قرارداد*، تهران: مجد.
۵. عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *مقدمه عمومی علم حقوق*، تهران: گنج دانش.
۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

– مقالات

۱۰. آزمایش، علی (۱۳۵۱). مساله مغایرت قانون با قانون برتر در حقوق ایران، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران، ۱۰ (۱)، ۱-۱۸.
۱۱. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۶). مساله اساسی‌سازی نظم حقوقی، *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۲ (۱۱)، ۱۲۹-۱۶۲.
۱۲. خلعتبری، ارسلان (۱۳۲۷). تعارض قانون مصوب مجلس با قانون اساسی، *کانون وکلا*، (۷)، ۲۳-۲۷.
۱۳. خوئینی، غفور (۱۳۸۰). تحلیل فقهی حقوقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها، *پژوهشنامه متین*، ۳ (۱۳)، ۱۴۵-۱۶۴.

۱۴. محمودی، هلیا (۱۳۹۷). قلمرو و شرایط استناد به قاعده نفی عسر و حرج به عنوان منبع آثار قراردادی در حقوق ایران و فقه امامیه، *فقه و حقوق معاصر*، ۸ (۱۳)، ۳۱.
۱۵. مولائی، یوسف و حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۹۷). اساسی‌سازی حقوق خصوصی، *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۰ (۶۱)، ۲۰۹-۳۴۱.
۱۶. نوری یوشانلوئی، جعفر و ابوالفضل شاهین (۱۳۹۷). نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، *پژوهش حقوق خصوصی*، ۷ (۲۴)، ۲۰۱-۲۲۹.
Doi: 10.22054/jplr.2018.24149.1627
۱۷. یوسف‌زاده، احمد؛ رستم‌زاد اصل، سروش و سخنور، مهدی (۱۳۹۷). تعدیل قضایی قرارداد بر مبنای عدم تعادل اقتصادی آن در حقوق ایران، حقوق آمریکا و اسناد بین‌المللی، *دانش حقوق مدنی*، ۷ (۲)، ۱۰۳-۱۱۶.
Doi: 10.30473/CLK.2019.32980.2119
۱۸. ناصری حسین آباد، مرتضی؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ انصاری، اعظم و خدابخشی شلمزاری، عبدالله (۱۴۰۲). مبانی کنترل قضایی قرارداد (رویکرد تطبیقی با مکاتب فلسفی و اقتصادی)، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۳)، ۲۵۵-۲۹۰.
Doi: 10.22034/law.2023.52802.3156
۱۹. هراتی، مصطفی (۱۴۰۲). بررسی نظریه عمومی انتقال قرارداد در حقوق جدید فرانسه و جایگاه آن در حقوق ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۰)، ۳۰۷-۳۳۰.
Doi: 10.22034/law.2022.50414.3083

ب) منابع ترکی

- Articles

20. Fıkret Eren (2022). Borçlar Hukuku Genel Hükümler, *Yetkin Basıme*, 11 (21), 4.
21. BAYSAL, Başak (2009). On İki Levha Yayıncılık *Sözleşmenin Uyarlanması*, 3 (12), 6.
22. FEYZİOĞLU, Turhan (1947). İdare Hukukunda Emprevizyon Nazariyesi, *Milli Eğitim*, 5 (21), 8.
23. GÜRSOY, Kemal Tahir (1950). Hususi Hukukta Clausula Rebus Sic Stantibus, Güney Matbaacılık ve Gazetecilik, *T.A.O*, 12 (43), 1.

24. Aydemir, Efrail (2011). *Hukukta 4 Kavram 4 Konu*, **Adalet Yayınevi**, 21 (31), 17.
25. BAYGIN, Cem (2010). Türk Borçlar Kanunu'nun Borç İlişkisinin Hükümleri Borçların ve Borç İlişkilerinin Sona Ermesi Konularında Getirdiği Bazı Yenilik ve Değişiklikler, **EÜHFD., C. XIV**, 16 (43), 3.
26. YAVUZ, Nihat (2013). 6098 sayılı Türk Borçlar Kanunu Şerhi, **Adalet Yayınevi**, 3 (8), 21.
27. Serozan (2000). Karşılıklı Sözleşmelerde Baştan Dayatılmış Veya Sonradan Oluşmuş Edimler Arası Dengesizliğin Uyarlama Yoluyla Düzeltilmesi, **Anısına Armağan İstanbul**, 6 (21), 9.
28. Kaplan, İbrahim (2007). Hâkimin Sözleşmeye Müdahalesi, **Seçkin Yayınları**, 8 (12), 15.
29. AYDEMİR, Efrail (2013). Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu, **Seçkin Yayınları**, 12 (27), 23.
30. Aydemir, Efrail (2013). Aşkın Zarar Sözleşmenin Uyarlanması Ceza Koşulu, **Seçkin Yayınları**, 7 (16), 24.
31. Memet Erdem Aybay (2019). Sözleşmenin Değişen Koşullara Göre Uyarlanması (Yargıtay Hukuk Genel Kurulu Kararı İncelemesi), **Cevdet Yavuz'a Armağan**, 14 (29), 37.

- Document

32. Zehra Betül KULP (2015). AŞIRI İFA GÜÇLÜĞÜ (TBK. md. 138), Yüksek Lisans Tezi, **ANKARA ÜNİVERSİTESİ**.